

دپلماتسی با دست باز
محمدجواد ظریفمنجی اف ۱۴۰۵
به یاد امیر سرتیپ عطاءالله بازرگانآتش در قلب عربستان
تأسیسات نفتی آرامکو زیر آتش یمن

شورش پاریسی

دانش آموزان و معلمان فرانسوی
خیابان‌های این کشور را به آتش کشیدند

سرمقاله

قوه مجریه و عبرت‌ها

برای بازگشت به مسیر درست،
امروز، بهتر از فرداست. چرا که پنجره فرصت
برای همیشه باز نمی‌ماند

محسن هاشمی‌رفسنجانی

رئیس شورای مرکزی
حزب کارگزاران سازندگی ایران

با بازگشت رئیس‌جمهور از سفر نیویورک، امیدها و روزنه‌هایی که برای حل مشکل محاصره و خطر جنگ سوم با ارائه پیشنهاد ۷ ماده‌ای به‌وجود آمده بود، تضعیف و با افزایش نرخ ارز، شرایط اداره کشور برای قوه مجریه دشوار شده است. برخی از شخصیت‌ها در بیانیه‌ای سفر نیویورک را کاملاً موفق و مثبت ارزیابی کردند و برخی از چهره‌های تندرو از دو طرف این سفر را شکست‌خورده دانستند اما انصاف این است که این سفر شبیه عملکرد دو سال گذشته قوه مجریه دارای نقاط قوت و ضعفی است که وضعیت دولت را کماکان در مرز بنیابین موفقیت و شکست نگه داشته است. در سخنرانی سازمان ملل از مردم انقلابی و حاضر در خیابان تمجید و در مصاحبه بابت وقایع دی‌ماه نیز عذرخواهی شد، در واقع تلاش شد هر دو بخش جامعه راضی نگه‌داشته شوند اما از آنجا که راهبرد مشخصی برای نتیجه‌گیری نیست هیچ‌یک از بخش‌ها راضی نیستند و عملاً پیشنهاد ۷ روزه در چرخه دیپلماتسی جهانی هم به نتیجه نرسید. در تصمیمات گذشته نظیر قیمت بنزین نیز شاهد همین حرکت در مرز راضی نگه‌داشتن طرفین بودیم و نتیجه آن شد که با بنزین ۱۰ هزار تومانی نه مشکل کسری بودجه و کمبود بنزین حل شد و نه با دو برابر کردن از اثرات تورمی قیمت بنزین جلوگیری شد. معرفی کابینه، انتصابات، تعامل با مجلس، وضعیت پرونده هسته‌ای، اصلاحات اقتصادی، فیلترینگ و... همه و همه تکرار همین شیوه تصمیم‌گیری قوه مجریه بوده که به روش وفاقی مشهور شده است. البته در ابتدای تشکیل دولت در مقالات و مصاحبه‌های متعددی گفته شد که وفاق می‌تواند یک راهبرد موفق باشد به‌شرط آنکه وفاق روی اهداف صورت گیرد نه روی اشخاص. برای حل مشکلات کشور باشد نه برای راضی نگه‌داشتن افراد. ناشی از ابتکار عمل باشد نه منفعلانه و از روی اجبار. در تصمیمات سخت رخ دهد نه در اضطرار و بی‌تصمیمی. شرایط امروز کشور نیز که تقریباً از ابتدای دولت چهاردهم شاهد آن هستیم، نظام را در مرحله‌ای سرنوشت‌ساز قرار داده که اگر نتواند، تصمیمات سخت و بزرگ بگیرد با بی‌تصمیمی یا تصمیم‌های میانه و بی‌اثر مجبور خواهد شد، هزینه‌ها را بدهد اما منافعی به‌دست نیاورد. یکی از موضوعاتی که در همین سفر توسط رئیس‌جمهور مطرح شد، مسئله رقیق کردن اورانیوم ۶۰ درصد بود. شاید اگر این تصمیم در ابتدای همین دولت گرفته می‌شد، نه دو جنگ رخ می‌داد، نه اجرای مکانیسم ماشه، نه تشدید تحریم‌ها، نه محاصره، نه وقایع دی‌ماه و نه این مقدار خسارت به زیرساخت‌ها. اما تصور از وفاق آن بود که تصمیمی مورد حمایت همه و یا اکثریت قاطع جامعه و مسئولان باشد، درحالی که اگر چنین توافقی در کشور وجود داشت که اصلاً به شرایط فعلی نمی‌رسیدیم. خود ایجاد وفاق مهم‌ترین و سخت‌ترین مرحله کار بود اینکه به تشخیص قطعی و کارشناسی برسیم که راحل مشکل کشور چیست سپس با بیان آن با مردم و نخبگان و گروه‌های سیاسی و اقتصادی و اجتماعی، زمینه اجرایی شدن آن تصمیم را فراهم کنیم. اما در عمل وفاق ایجاد نشد و کشور در بی‌تصمیمی و شرایط تعلیق ماند. اگر دولت نمی‌تواند، وفاق را تأمین کند نباید از تصمیم درست و شجاعانه خود عقب‌نشینی کند. همین امروز هم برای بازگشت به مسیر درست و اصلاح مشکلات کشور بهتر از فرداست، اگر ما قرار است مانند امروز که به تصمیماتی نظیر باز کردن تنگه هرمز و رقیق‌سازی اورانیوم ۶۰ درصد رضایت دادیم، اما این تصمیمات، موجب رفع محاصره، لغو تحریم‌ها و از بین بردن خطر جنگ نمی‌شود، فردا به دادن امتیازات بی‌فایده دیگری راضی شویم که باز هم مشکلی را حل نکند، بهتر است یک‌بار برای همیشه با واقع‌نگری، عقلانیت و آینده‌اندیشی تصمیماتی بگیریم که به نتیجه برسد، که پنجره فرصت برای همیشه باز نمی‌ماند و تصمیمات بد ممکن است، تصمیمات خوبی باشند که در زمان مناسب خود گرفته نشده‌اند. پایان نوشتار را سخن امیرمؤمنان قرار می‌دهیم که فرمودند: «فرصت‌ها چون ابر گذرا هستند».

گزارش اختصاصی سازندگی:

شکایت ایرانیان آمریکا از ترامپ به دادگاه فدرال

جمعی از ایرانیان مقیم آمریکا علیه ترامپ به دلیل جنگ با ایران به دادگاه فدرال شکایت کرده‌اند. شاکیان پرونده در گفت‌وگو با سازندگی گفتند: رئیس‌جمهور آمریکا، با دور زدن قانون و بدون مجوز کنگره وارد جنگ شده و دادگاه فدرال باید ادامه جنگ با ایران را خلاف قانون اساسی اعلام کند



سحر نمازیخواه

روزنامه‌نگار

جمعی از جوانان و خانواده‌های ایرانی-آمریکایی رسماً در دادگاه فدرال آمریکا علیه دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور این کشور و ادامه جنگ با ایران شکایت کردند. این نبرد و چالش حقوقی در پی تشدید تنش‌ها و تنها دو روز پس از آنکه ترامپ در سخنرانی‌اش که قوانین سازمان ملل را نیز زیر پا می‌گذاشت و ایران را به نابودی تهدید کرد، در دادگاه آمریکا رسماً کلید خورد.

وکلاي این پرونده، آلن موریسون و بروس فین، حمله ترامپ به ایران و ادامه محاصره دریایی را با استناد به بند اعلام جنگ قانون اساسی آمریکا به چالش کشیده و استدلال کرده‌اند، رئیس‌جمهور نمی‌تواند با به‌کارگیری کلمات جایگزین مانند «مأموریت» یا «عملیات نظامی» به‌جای «جنگ» بند صریح قانون اساسی را دور بزند.

بروس فاین، وکیل این پرونده استدلال می‌کند: «رئیس‌جمهور ترامپ ماه‌هاست که جنگی را بدون مجوز کنگره پیش می‌برد و در عین حال اصرار دارد که تغییر اصطلاحات، ماهیت مسئله قانون اساسی را تغییر می‌دهد. نامیدن جنگ به‌عنوان «عملیات نظامی» یا «اقدام نظامی محدود» (excursion) مفاد قانون اساسی در خصوص اعلام جنگ را از بین نمی‌برد. پرسش پیش روی دادگاه این است که آیا رئیس‌جمهور می‌تواند بدون مجوزی که قانون اساسی الزامی دانسته است به این خصومت‌ها ادامه دهد یا خیر؟»

به گفته آلن موریسون، وکیل دیگر این پرونده، «قانون اساسی به رئیس‌جمهور اجازه نمی‌دهد که جنگی را به‌طور نامحدود آغاز کند و یا بعد از حمله، از کنگره درخواست مجوز کند. کنگره هرگز مجوز این جنگ را صادر نکرد با این حال بمباران و محاصره دریایی ماه‌ها ادامه یافته است. ما از دادگاه می‌خواهیم که مرز قانونی میان اختیارات رئیس‌جمهور به‌عنوان فرمانده کل قوا و اختیار انحصاری کنگره برای وارد کردن کشور به جنگ را اعمال و رعایت کند».

ادامه در صفحه ۶





گفتار

دیپلماسی بادست باز

محمدجواد ظریف: ایران نباید تمام تخم‌مرغ‌های خود را در یک سبد بگذارد



گروه سیاسی: محمدجواد ظریف، وزیر امور خارجه پیشین ایران، در مقاله‌ای با عنوان «معماری نوین روابط راهبردی با چین و روسیه؛ اصالت و توازن فراگیر» در دومین شماره فصلنامه تخصصی اندیشکده پایاب بر ضرورت بازتعریف مناسبات تهران با پکن و مسکو تأکید کرده است؛ بازتعریفی که به گفته او باید از روابط مبتنی بر نیاز و ناچاری فاصله بگیرد و بر پایه انتخاب آگاهانه، منافع بلندمدت و تنوع‌بخشی به سبد سیاست خارجی شکل بگیرد. ظریف تأکید می‌کند، زمانی روابط ایران با چین و روسیه به اوج کارآمدی و موازنه مادی می‌رسد که این کشورها بدانند تهران از گزینه‌های گوناگون برخوردار است.

ظریف در ابتدای مقاله خود، تحولات نظام جهانی را مورد توجه قرار می‌دهد و معتقد است، جهان از ساختارهای سنتی دوقطبی و تک‌قطبی فاصله گرفته و وارد دوره‌ای پساقطبی شده است؛ دوره‌ای که در آن قدرت تنها با توان نظامی و وسعت سرزمینی سنجیده نمی‌شود. فناوری، هوش مصنوعی، داده، اقتصاد، توانایی شکل‌دهی به روایت‌های جهانی و ظرفیت‌های نهادی نیز به عناصر مؤثر قدرت ملی تبدیل شده‌اند. در چنین شرایطی، سیاست خارجی کشورها نیز باید از واکنش‌مداری فاصله بگیرد و به سمت راهبردمحوری و فرصت‌مداری حرکت کند.

از نگاه ظریف، استقلال راهبردی به‌معنای انزوا یا قطع وابستگی‌های متقابل نیست بلکه به توانایی کشور برای مدیریت و توزیع این وابستگی‌ها بازمی‌گردد. او هشدار می‌دهد، زمانی که سیاست خارجی کشوری، گزینه‌های محدودی در سبد روابط خود داشته باشد، استقلال راهبردی آن در معرض آسیب قرار می‌گیرد. به همین دلیل تقویت روابط با چین و روسیه باید همزمان با توسعه مناسبات همسایگی، فعال‌تر شدن ایران در جنوب جهانی و مدیریت اختلافات با غرب دنبال شود.

در این میان، چین یکی از مهم‌ترین محورهای این راهبرد است. ظریف معتقد است، روابط تهران و پکن نباید به صادرات نفت و واردات کالا محدود بماند بلکه باید به سمت سرمایه‌گذاری مشترک، انتقال فناوری، توسعه زیرساخت و حضور در زنجیره‌های ارزش حرکت کند. از نگاه او، نقشه همکاری ۲۵ ساله ایران و چین می‌تواند چارچوب این همکاری باشد اما برای تحقق ظرفیت‌های آن باید سند موجود به پروژه‌های مشخص، قراردادهای اجرایی و برنامه‌های زمان‌بندی شده، تبدیل شود.

ظریف همچنین ظرفیت‌های ترانزیتی ایران را در این همکاری مهم می‌داند و از توسعه جابهار، تکمیل کریدور شمال - جنوب و توسعه بندر جنوبی به‌عنوان زمینه‌هایی برای پیوند ایران با شبکه‌های تجاری و ترانزیتی چین نام می‌برد. او در کنار این موارد، حوزه‌هایی مانند انرژی‌های تجدیدپذیر، خودروهایی برقی، زیرساخت‌های دیجیتال، هوش مصنوعی و نوسازی صنعتی را نیز از زمینه‌های بالقوه همکاری می‌داند.

در مورد روسیه، ظریف بر ضرورت شناخت منافع مستقل مسکو تأکید دارد. به باور او، رابطه ایران و روسیه به دلیل تفاوت جابگاه دو کشور در نظام بین‌الملل، رابطه‌ای نامتقارن است و تهران نباید انتظار همراهی نامشروط روسیه در همه پرونده‌ها را داشته باشد. او در همین زمینه به تجربه رأی روسیه و چین به قطعنامه‌های شورای امنیت علیه ایران اشاره می‌کند و می‌نویسد، قدرت‌های بزرگ در نهایت منافع و الزامات خود را دنبال می‌کنند. ظریف در ادامه از ضرورت عبور از دوگانه روس‌ستیزی و روس‌پرستی سخن می‌گوید و تأکید دارد که رابطه با مسکو باید براساس منافع مشترک، همسایگی و محاسبات واقع‌بینانه تنظیم شود.

در نهایت همه این بحث‌ها به مفهوم «توازن فراگیر» بازمی‌گردد؛ اصلی که براساس آن ایران نباید تمام تخم‌مرغ‌های خود را در یک سبد بگذارد. تقویت روابط با چین و روسیه به‌معنای کنار گذاشتن سایر مسیرهای سیاست خارجی نیست. از نگاه ظریف هرچه سبد روابط خارجی ایران متنوع‌تر باشد، قدرت چانه‌زنی تهران افزایش می‌یابد و شرکای شرقی نیز ایران را نه شریکی ناگزیر بلکه کنشگری برخوردار از گزینه‌های متعدد خواهند دید.

منجی اف‌۱۴ها

درباره امیر سرتیپ دکتر عطاء الله بازرگان، بنیانگذار جهاد خودکفایی نیروهای مسلح که هفته پیش درگذشت



سید محمود علیزاده طباطبائی
عضو شورای مرکزی و معاون حقوقی دبیرکل حزب کارگزاران سازندگی ایران

در روزهای آغازین پیروزی انقلاب، یکی از مهم‌ترین نگرانی‌های نیروی هوایی ایران در کارگاه‌ها و آشیانه‌ها شکل گرفته بود؛ جایی که هواپیماهای پیشرفته آمریکایی، به‌ویژه اف‌۱۴ها در انتظار قطعه، آموزش و پشتیبانی فنی‌ای بودند که با پیروزی انقلاب دیگر خبری از آن نبود.

امیر سرتیپ دکتر عطاءالله بازرگان، از رهبران جنبش همافران در پایگاه شاهرخی همدان و از پیشگامان بیعت با امام خمینی (ره) در همان روزها، مسیر متفاوتی را انتخاب کرد. او معتقد بود اگر نیروی متخصص ایرانی به میدان بیاید، می‌توان پیچیده‌ترین تجهیزات نظامی را نیز بدون تکیه بر سازنده خارجی اداره کرد. بازرگان، رهبری گروهی از متخصصان را برعهده گرفت که بعدها جهاد خودکفایی نیروی هوایی را شکل دادند و قرار بود در شرایطی بی‌سابقه، بار سنگین نگهداری و ارتقای تجهیزات پیشرفته را به دوش بکشند.

اف‌۱۴ها در آستانه زمین‌گیری

اوایل سال ۱۳۵۸ ستاد نیروی هوایی در گزارشی اعلام کرد که ادامه بهره‌برداری از اف‌۱۴ها بدون پشتیبانی لجستیکی و آموزشی آمریکا بیش از سه ماه ممکن نیست. گزارش از ستاد مشترک به وزارت دفاع رسید و مصطفی جمران، وزیر دفاع وقت، آن را در شورای انقلاب مطرح کرد. مسئله جدی بسود: ایران تازه از یک انقلاب عبور کرده بود و حالا ناوگانی از پیشرفته‌ترین هواپیماهای جهان را در اختیار داشت که قطعات، آموزش و پشتیبانی آنها وابسته به آمریکا بود.

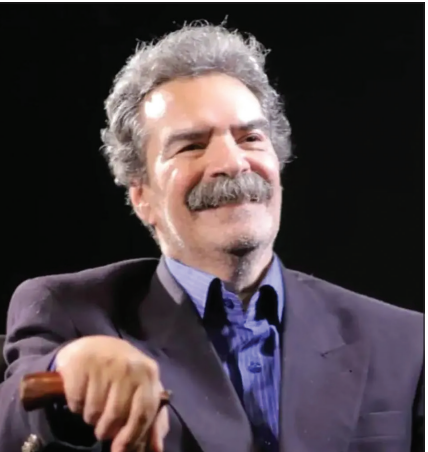
در شورای انقلاب تصمیم گرفته شد که دکتر ابراهیم یزدی، وزیر امور خارجه وقت، موضوع استرداد هواپیماهای اف‌۱۴ را با آمریکایی‌ها مطرح کند. آمریکایی‌ها اما از بازپس‌گیری هواپیماها امتناع کردند و پیشنهاد دیگری دادند: ایران می‌تواند این هواپیماها را به دولت کانادا واگذار کند و در مقابل تجهیزات و حتی ترانکتور دریافت کند. دولت ایران که تصور می‌کرد در آینده با دشمنی مواجه نخواهد بود و از سوی دیگر ادامه نگهداری اف‌۱۴ها را بدون پشتیبانی آمریکا بسیار دشوار



می‌دانست با جدیت به دنبال فروش این هواپیماها بود.

در همین مقطع، جهاد خودکفایی نیروی هوایی به فرماندهی همافر بازرگان وارد میدان شد. بازرگان که در فضای پرتلاش روزهای نخست انقلاب با خطر جدی برای جان خود، حتی احتمال اعدام، روبه‌رو بود، تصمیم گرفت برای حفظ توان نظامی کشور و جلوگیری از فروش اف‌۱۴ها وارد عمل شود. او در پاریس حضرت امام خمینی (ره) را ملاقات و طرح جهاد خودکفایی را ارائه کرد. امام نیز او را به حضرت آیت‌الله خامنه‌ای ارجاع دادند. بازرگان به دیدار شورای انقلاب رفت و با توجه به آشنایی قبلی و با همراهی مقامات عالی نظام، آنان را قانع کرد که نیروهای متخصص داخلی توان اداره و نگهداری تجهیزات پیشرفته نظامی ازجمله هواپیماهای اف‌۱۴ را دارند و نباید این سرمایه عظیم نظامی کشور به فروش برسد. با آغاز جنگ ایران و عراق همان هواپیماهایی که قرار بود پس از چند ماه از کار بیفتند به یکی از ارکان توان هوایی ایران تبدیل شدند. متخصصان داخلی تعمیر و بازسازی آنها را برعهده گرفتند، قطعات مورد نیاز را ساختند و به‌تدریج بخشی از نیازهای فنی و پشتیبانی را در داخل تأمین کردند. اما این اقدامات تنها به تعمیر هواپیماها محدود نبود. جهاد خودکفایی به‌تدریج به مجموعه‌ای گسترده از پروژه‌های فنی، آفندی و پدافندی تبدیل شد؛ پروژه‌هایی که هرکدام بخشی از وابستگی فنی کشور را هدف گرفته بودند.

طراحی و ساخت قطعات مورد نیاز هواپیماها، رادارها و موشک‌ها، روزآمدسازی سامانه‌های هوایی و پدافندی، جایگزینی تجهیزات قدیمی با سامانه‌های جدید، تجهیز هواپیماها به انواع موشک‌ها و تسلیحات، طراحی و ساخت موشک‌های هوا به زمین و سامانه‌های هدایت، افزایش برد عملیاتی هواپیماها و توسعه توان سوخت‌رسانی هوایی، ارتقای تجهیزات جنگ الکترونیک، طراحی و ساخت شبیه‌سازهای پروازی و تعمیر و بازسازی صدها هزار قطعه و سامانه، بخشی از پروژه‌هایی بود که جهاد خودکفایی دنبال کرد. دامنه این فعالیت‌ها نیز به نیروی هوایی محدود نماند و از نصب موشک ماوریک روی قایق‌های تندروی سپاه و اورهال هواپیمای P-۳۴ نیروی دریایی تا تجهیز بالگردهای کبرا و H-۳ ساخت ماشین مین‌روب، توسعه سامانه شباهنگ و پروژه‌های پدافندی و آفندی را نیز دربر گرفت. مجموعه‌ای از طرح‌ها که



به‌تدریج تجربه تعمیر و نگهداری را به توان طراحی، ساخت و ارتقای تجهیزات نظامی تبدیل کرد.

از تعمیر تا خودکفایی

آیت‌الله خامنه‌ای نیز بعدها از روزهایی روایت کردند که فرماندهان نیروی هوایی درباره محدودیت شدید قطعات و زمان اندک باقی‌مانده برای ادامه پرواز برخی هواپیماها هشدار داده بودند؛ اما مسیر تعمیر و بازسازی ادامه یافت. همکاری با دانشگاه‌ها و مراکز صنعتی و میدان دادن به متخصصان جوان نیز به‌تدریج این حرکت را از یک راه‌حل اضطراری به یک تفکر پایدار در نیروهای مسلح تبدیل کرد.

اگر امروز، بعد از نزدیک نیم‌قرن از پیروزی انقلاب اسلامی، نیروی هوایی ایران همچنان می‌تواند از بخشی از تجهیزات پیشرفته‌ای که در دهه‌های پیش از انقلاب خریداری شده، استفاده و برای ارتقای آنها نیز اقدام کند، بخشی از آن نتیجه تلاش‌های امثال سرتیپ دکتر عطاءالله بازرگان و متخصصانی است که در آن روزهای سخت به جای تسلیم شدن در برابر تحریم و قطع پشتیبانی خارجی، راه خودکفایی را انتخاب کردند. هواپیماهایی که قرار بود بدون پشتیبانی آمریکازمین‌گیر شوند، سال‌ها در خدمت ماندند و حتی ارتقا پیدا کردند و از همین تجربه بود که ایده‌ای بزرگ‌تر شکل گرفت: اینکه می‌توان با تکیه بر دانش داخلی، بخشی از پیچیده‌ترین نیازهای دفاعی را در داخل کشور پاسخ داد.

امیر سرتیپ دکتر عطاءالله بازرگان از پیشکسوتان شهادت و خون بود؛ مردی از نسلی که در روزهای انقلاب و جنگ، هم در میدان مبارزه حضور داشت و هم در میدان علم و تخصص. او در سال ۱۳۷۵ لقب پرچمدار خودکفایی ایران را از رهبر شهید گرفت و دارای نشان فجر و دانش بود. بازرگان سرانجام پس از تحمل دوره‌ای از بیماری ناشی از جانبازی و ابتلارگری به دوستان شهیدش پیوست؛ اما میراثش فقط در یک عنوان یا یک نشان خلاصه نمی‌شود. جهاد خودکفایی برای نسلی از متخصصان، تجربه‌ای ماندگار از مدیریت، خلاقیت، سازماندهی و اعتماد به توان داخلی بود. شاید برای ادای دین به چنین نسلی همان جمله امام خمینی (ره) کافی باشد: «نگذارید پیشکسوتان شهادت و خون در پیچ و خم زندگی روزمره به فراموشی سپرده شوند».

آگهی فقدان سند مالکیت موضوع سه دانگ مشاع از شش‌دانگ پلاک ثبتی ۲۳۱۱۷۲ فرعی از ۴۴۷۶ اصلی واقع در بخش ۷ تهران

الکترونیکی ۰۷۲۸۳/۰۴۳۰۰۳۰۱۰۴۳۰۳۰۱۳۹۹۲ ثبت گردیده است. محدودیت دفتر املاک: رهنی شماره ۲۶۲۷۷ و شماره سیستمی ۰۳۰۷۶/۰۴۳۰۱۰۴۳۰۵۲۰۱۳۹۹۰ مورخ ۱۳۹۹/۰۲/۲۰ دفترخانه اسناد رسمی شماره ۹۵۸ شهر تهران استان تهران که بنفع بانک مسکن به مبلغ ۲/۵۰۶/۷۷۸/۶۸۸ ریال به مدت ۱۴۴ ماه ثبت شده، که بانک مزبور اعلام نموده اصل سند نزد بانک نمیباشد. که مالکیت بعلت مفقودی در جابجایی درخواست صدور المثنی سند مالکیت را نموده اند؛ لذا مراتب باستناد تبصره یک اصلاحی مورخه ۷۲/۹/۲ ماده ۱۲۰ آئین نامه قانون ثبت در یک نوبت آگهی می شود تا چنانچه کسی مدعی انجام معامله نسبت به ملک مرقوم غیر از اسناد فوق و یا وجود سند مالکیت مذکور نزد خود می باشد از تاریخ نشر این آگهی ظرف مدت ۱۰ روز به این منطقه مراجعه و اعتراض خود را ضمن ارائه اصل سند مالکیت یا سند معامله تسلیم و رسید دریافت نمائید تا مورد رسیدگی قرار گیرد در غیر اینصورت پس از انقضای مهلت مزبور و عدم وصول اعتراض نسبت به صدور المثنی سند مالکیت طبق مقررات اقدام خواهد شد.

رئیس حوزه ثبت ملک پیروزی تهران –
مهدی نایب زاده

۱۴۴۷۶ م الف
۲۲۸۹۶۰۰ آگهی

نظر به اینکه خانم ملیحه حیدری با ارائه دو برگ استشهادیه به شماره ۱۵۱۹۷۰ مورخ ۱۴۰۵/۰۶/۲۱ تأییدیه دفتر ۳۰۶ تهران و درخواست وارده ۱۸۹۲۱ مورخ ۱۴۰۵/۰۶/۲۳ مدعی است که سند مالکیت سه دانگ مشاع از شش‌دانگ یک قطعه آپارتمان مسکونی وضعیت خاص طلق با کاربری به پلاک ثبتی ۲۳۱۱۷۲ فرعی از ۴۴۷۶ اصلی، مفروز و مجزا شده از ۲۷۷۸۶۹ فرعی از اصلی مذکور قطعه ۷ در طبقه ۴ و واقع در بخش ۷ ناحیه ۰۰ حوزه ثبت ملک پیروزی تهران استان تهران به مساحت ۹۶/۷۷ متر مربع که (۲/۲۲) دو متر و بیست و دو دسیمتر مربع آن بالکن است، پارکینگ قطعه ۷ به مساحت ۱۰/۶ واقع در طبقه ۰ حقوق ارتفاقی منضم: این پارکینگ از درب کرکه ای شمال غربی حق عبور ندارد و از درب آهنی شمال شرقی حق تردد دارد و همچنین در این پارکینگ سقف قسمتی فضای باز حیاط و قسمتی با کف فوقانی اشتراکیست مالکیت ملیحه / حیدری فرزند قاسم شماره شناسنامه ۳۷۸۳ تاریخ تولد ۱۳۶۲/۰۴/۰۸ صادره از تهران دارای شماره ملی ۰۰۷۵۳۰۵۴۸۸ با جز سهم ۳ از کل سهم ۶ بعنوان مالک سه دانگ مشاع از شش دانگ عرصه و اعیان با شماره مستند مالکیت ۲۶۷۳۶ تاریخ ۱۳۹۹/۰۲/۲۰ دفترخانه اسناد رسمی شماره ۹۵۸ شهر تهران استان تهران موضوع سند مالکیت اصلی بشماره چاپی ۲۰۱۰۹۶ سری ج سال ۹۸ با شماره دفتر



ویترین

جای چندین زندگی

نگاهی به رمان در تدارک زندگی نکرده
نوشته مانده مرتضوی

بعضی کتاب‌ها را می‌شود

خواند و کنار گذاشت؛ بعضی

دیگر اما از همان لحظه‌ای

که تمام می‌شوند، تازه شروع

می‌شوند. «در تدارک زندگی

نکرده» نوشتهٔ مانده مرتضوی از دستهٔ دوم است؛ کتابی که شاید حجم چندانی نداشته باشد، اما برای خواننده‌اش جای چندین زندگی را باز می‌کند. از وقتی کتاب به دستم رسید تا وقتی آخرین صفحه‌اش خوانده شد، بیشتر از ۴ ساعت طول نکشید؛ دومین کتابی که در تمام سال‌های کتاب‌خوانی با چنین سرعتی خوانده‌ام. البته این سرعت از همان ابتدا تضمین نشده بود. ذهن سخت‌پسند، طبق معمول، از همان صفحات اول شروع به ایراد گرفتن کرد؛ این‌جا چرا چنین شده؟ این شخصیت چرا این‌طور حرف می‌زند؟ این روایت قرار است به کجا برسد؟ بعضی جاها حتی این حس وجود داشت که کتاب هنوز نتوانسته آن چیزی را که می‌خواهد بگوید، پیدا کند. اما هرچه جلوتر رفت، بخشی از همان ایرادها یکی‌یکی پاسخ گرفتند. نویسنده عجله‌ای برای توضیح دادن ندارد و اطلاعات را یک‌جا در اختیار خواننده نمی‌گذارد. باید کمی جلو رفت، به صداهای مختلف گوش داد و دوباره به چیزهایی که پیش‌تر خوانده‌ایم برگشت. همین تأخیر در فهم، یکی از ویژگی‌هایی است که کتاب را از یک روایت خطی و قابل پیش‌بینی جدا می‌کند.



محمد نامینی

پژوهش‌گر جامعه‌شناسی

فاصله ظاهر و باطن زندگی



«در تدارک زندگی نکرده» بیش از آن‌که داستان یک اتفاق باشد، داستان چند آدم است؛ آدم‌هایی که هرکدام چیزی را پنهان می‌کنند، چیزی را به یاد می‌آورند یا در تلاشت گذشته خود را با تصویری که امروز از خودشان دارند، جور کنند. زندگی روزمره در این کتاب اهمیت زیادی دارد؛ رابطه‌ها، خانواده، خواسته‌ها، انتخاب‌ها و حتی سکوت‌هایی که گاهی از هر گشت‌وگویی بلندترند. یکی از نکات قابل توجه کتاب، همین توجه به فاصلهٔ میان ظاهر و باطن زندگی است. آدم‌ها الزاماً همان چیزی نیستند که در برخورد اول به‌نظر می‌رسند. یک رفتار ممکن است در ابتدا خودخواهانه یا غیرقابل‌فهم به نظر برسد، اما وقتی روایت دیگری از همان ماجرا شنیده می‌شود، تصویر تغییر می‌کند. کتاب از این امکان استفاده می‌کند تا شخصیت‌ها را از قضاوت‌های سریع نجات دهد.

چندصدایی بودن روایت نیز در همین مسیر عمل می‌کند. هر صدا بخشی از ماجرا را روشن می‌کند و هم‌زمان بخشی دیگر را می‌پوشد. خواننده به‌جای آن‌که یک راوی مطمئن داشته باشد که همه‌چیز را برایش توضیح دهد، باید از میان روایت‌های مختلف، تصویر خودش را بسازد. نتیجه، داستانی است که در آن حقیقت بیشتر از آن‌که یک پاسخ قطعی باشد، مجموعه‌ای از روایت‌های ناقص است.

از این منظر، عنوان کتاب هم کم‌کم معنای دیگری پیدا می‌کند. «زندگی نکرده» فقط به‌معنای فرصتی از دست‌رفته یا رؤیایی تحقق‌نیافته نیست؛ می‌تواند به آن بخش‌هایی از زندگی اشاره کند که به دلایل مختلف امکان ظهور پیدا نکرده‌اند. انتخاب‌هایی که انجام نشده‌اند، رابطه‌هایی که به سرانجام نرسیده‌اند و حتی شکل دیگری از خود آدم که در مسیر زندگی فرصت پیدا نکرده است. اما کتاب این مفهوم را به یک حسرت ساده تقلیل نمی‌دهد؛ بیشتر نشان می‌دهد گذشته چگونه می‌تواند در زندگی امروز حضور داشته باشد. در این میان، رابطه و خانواده فقط پس‌زمینهٔ داستان نیستند. آن‌ها جایی هستند که شخصیت‌ها خود واقعی‌شان را بیشتر از هر جای دیگری نشان می‌دهند؛ جایی که عشق، میل، ترس، خیانت، وابستگی و نیاز به دیده‌شدن در کنار هم قرار می‌گیرند. شاید همین است که بعضی رفتارها را نمی‌شود به‌سادگی خوب یا بد نامید. آدم‌های کتاب در موقعیت‌هایی قرار گرفته‌اند که انتخاب‌های‌شان، حتی وقتی قابل دفاع نیست، قابل فهم است. شاید نقطه قوت کتاب همین باشد؛ به‌جای آن‌که برای شخصیت‌هایش حکم صادر کند، آن‌ها را در موقعیت قرار می‌دهد و اجازه می‌دهد خواننده با پیچیدگی‌شان روبه‌رو شود. این رویکرد، به‌خصوص در داستانی که با روابط انسانی سروکار دارد، ارزشمند است؛ چون زندگی واقعی هم معمولاً با شخصیت‌های کاملاً خوب و کاملاً بد پیش نمی‌رود. شاید به همین دلیل است که ۴ ساعت برای خواندن کتاب کافی بود، اما برای تمام کردنش نه. خواندنش سریع اتفاق افتاد، اما جمع کردن آدم‌ها و روایت‌هایش در ذهن، زمان بیشتری می‌خواهد. بعضی کتاب‌ها با تعداد صفحاتشان اندازه‌گیری نمی‌شوند. ممکن است کوتاه باشند و در چند ساعت خوانده شوند، اما پرسش‌هایی بسازند که خیلی بیشتر از زمان خواندنشان دوام بیاورند.

«در تدارک زندگی نکرده» برای من با همان ذهن سخت‌پسندی شروع شد که از صفحات اول ایراد می‌گرفت؛ اما هرچه جلوتر رفت، کتاب توانست پاسخ بسیاری از همان ایرادها را در دل روایت خودش بدهد. شاید این یکی از لذت‌های واقعی خواندن باشد؛ کتابی که اجازه نمی‌دهد خیلی‌زود درباره‌اش تصمیم بگیریم و در نهایت، ما را کمی دیرتر از آخرین صفحه‌اش رها می‌کند.

در تدارک زندگی نکرده

مانده مرتضوی
نشر چشمه
۱۷۴ صفحه
۴۹۰۰۰۰ تومان



پل ادبی

تشکیل شورای عالی هنر و ادبیات به ریاست معاون اول رئیس‌جمهور

جدید تشکیل می‌شود. در این راستا، محمدرضا عارف معاون اول رئیس‌جمهور (رئیس)، سیدعباس صالحی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی (دبیر شورا)، سیدرضا صالحی‌امیری وزیر میراث فرهنگی، صنایع‌دستی و گردشگری و دو نفر از وزرا به پیشنهاد وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی و تأیید معاون اول رئیس‌جمهور، سیدحمید پورمحمدی، رئیس سازمان برنامه و بودجه کشور، زهرا بهروزآذر، معاون رئیس‌جمهور در امور زنان و خانواده، پیمان جبلی، رئیس سازمان صداوسیما جمهوری اسلامی ایران، حجت‌الاسلام والمسلمین عبدالحسین خسرو پناه، دبیر شورای عالی انقلاب فرهنگی، مجید شاه‌حسینی، رئیس فرهنگستان هنر، محمدمهدی دادمان، رئیس حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی از اعضای این شورا هستند.

همچنین مدیران‌عامل خانه‌های تئاتر، موسیقی، هنرهای تجسمی، یک نفر به نمایندگی از انجمن‌های صنفی حوزه ادبیات، ۶ نفر از هنرمندان، استادان، خبرگان هنری و ادبی کشور که حداقل سه نفر آن‌ها از بانوان باشند به پیشنهاد وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی و تأیید معاون اول رئیس‌جمهور دیگر اعضای این شورا را تشکیل می‌دهند. براساس این مصوبه، احکام اعضای شورا با امضای معاون اول رئیس‌جمهور صادر خواهد شد و دبیرخانه شورا در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی تشکیل می‌شود. دبیرخانه شورا موظف به ابلاغ، پیگیری و اجرای مصوبات، برگزاری جلسات شورا، ارائه گزارش‌های مربوط و سایر امور اجرایی و هماهنگی مرتبط با وظایف شورا خواهد بود.

به پیشنهاد وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و به استناد اصل ۱۳۸ قانون اساسی و بنا به مصوبهٔ هیأت وزیران، شورای عالی هنر و ادبیات به ریاست معاون اول رئیس‌جمهور تشکیل شد. این شورا با هدف تقویت ارتباط بین بخش‌های سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی، اجرایی، نظارتی، تولیدی، آموزشی، کمک به توسعه فرهنگ و هنر، رفع چالش‌ها، بهینه‌سازی فرآیند خدمات‌رسانی به فعالان و مشاغل حوزهٔ هنر و ادبیات در سطوح استانی، ملی و بین‌المللی، افزایش هم‌افزایی و همکاری دستگاه‌های متولی و اجرایی و بدون افزایش هرگونه ساختار و تشکیلات جدید ایجاد شده است. اهدافی که در حالت ایده‌آل می‌تواند گامی در جهت بازآفرینی حکمرانی فرهنگی باشد، اگر به سرنوشت شوراهای عالی مشابه ازجمله شورای عالی سینما (شورایی که تیر ۱۳۸۹ ابتدا به ریاست رئیس‌جمهور و بعدها معاون اول رئیس‌جمهور، تشکیل شد) گرفتار نشود.

هیأت وزیران به ریاست مسعود پزشکیان، رئیس‌جمهور در جلسه ۱۱ شهریور ۱۴۰۵، طرح تشکیل «شورای عالی هنر و ادبیات» را تصویب کرد و مقرر شد دبیرخانه این شورا برای پیگیری و اجرای مصوبات در وزارتخانه فرهنگ و ارشاد اسلامی تشکیل شود.

ساختار و اعضای شورا

از این اقدام به‌عنوان یکی از تصمیم‌های راهبردی دولت چهاردهم در عرصهٔ فرهنگ و هنر یاد می‌شود و براساس مصوبهٔ هیأت دولت، «شورای عالی هنر و ادبیات» قرار است بدون افزایش هرگونه ساختار و تشکیلات

گزارش: ورزش ایران

انتقام طلایی

چهارمین قهرمانی متوالی تیم ملی والیبال ایران در بازی‌های آسیایی

تیم ملی والیبال ایران در حضور نزدیک به پنج هزار هوادار ژاپنی حاضر در سالن مسابقات بازی‌های آسیایی ناگویا، میزبان را با نتیجه سه- یک مغلوب کردند تا برای چهارمین‌بار متوالی قهرمانی در آسیا را تجربه کنند. جذابیت این پیروزی برای والیبال ایران از آن جهت بود که تیم ملی انتقام شکست در فینال رقابت‌های آسیایی فوکتوکا که با نتیجه ۳-۰ صفر برابر ژاپن رقم خورده بود را گرفت. با این‌وجود، ظهر روز شنبه، والیبالست‌های تیم ملی ایران با به میدان فینال رقابت‌های بازی‌های آسیایی ۲۰۲۶ گذاشتند و بار دیگر با ژاپن میزبان دیدار کردند. ژاپن بی‌تردید در طی دهه‌های اخیر یکی از قدرت‌های اصلی والیبال آسیا بوده و شکست این تیم با وجود میزبانی، حکایت از قدرت تیم ملی والیبال ایران دارد.

مسیر قهرمانی

تیم ملی والیبال ایران با روبرتو پیاتزا، سرمربی ایتالیایی‌اش با به مسابقات بازی‌های آسیایی گذاشت و در مرحله گروهی، هر سه بازی‌اش برابر قرقیزستان، تایلند و اندونزی را با پیروزی پشت‌سر گذاشت. تیم ملی والیبال ایران در این مرحله و در مجموع سه بازی، تنها دو ست را آن‌هم در بازی برابر تایلند به حریفان داد و با اقتدار به مرحله بعدی صعود کرد. تیم والیبال ایران در مرحله یک‌چهارم نهایی به کره‌جنوبی برخورد کرد؛ یکی دیگر از قدرت‌های سنتی والیبال آسیا و البته رقیبی قدیمی و همیشگی برای والیبال، فوتبال و دیگر ورزش‌های رقابتی برای ایران. تیم ملی والیبال در یک بازی نزدیک و سخت توانست کره‌جنوبی را با نتیجه ۳-۲ مغلوب کرده و به مرحله نیمه‌نهایی بازی‌ها برسد. در آن‌سو ژاپن میزبان که در مرحله گروهی با سه برد برابر پاکستان، قزاقستان و ازبکستان به مرحله بعدی رسیده بود، بعد از عبور آسان برابر قطر با نتیجه ۳-۰ صفر حریف چین، دیگر مدعی آسیایی والیبال شد. در حالی که تیم ملی ایران در یک بازی نسبتاً راحت پاکستان تازه از راه رسیده را شکست داد، ژاپن در یک بازی سخت و نزدیک، در نهایت با نتیجه ۳-۲ برابر تیم ملی چین به برتری رسید تا یکی از جذاب‌ترین فینال‌های این دوره از رقابت‌های بازی‌های آسیایی رقم بخورد.

فینال انتقامی

همانطور که انتظار می‌رفت، فینال میان ایران و ژاپن یکی از سخت‌ترین و نزدیک‌ترین بازی‌های این دوره از بازی‌های آسیایی بود. حدود پنج هزار هوادار ژاپنی در سالن مسابقات حاضر بودند تا میزبان را برای رسیدن به مدال طلا همراهی کنند، اما ملی‌پوشان ایران از همان ابتدای بازی نشان دادند که قرار نیست تحت‌تأثیر فضای سالن قرار بگیرند. ایران و ژاپن در پنجاهمین تقابل تاریخ خود مقابل یکدیگر قرار گرفتند و این بار هم مسابقه با برتری ایران به پایان رسید. شاگردان روبرتو پیاتزا، ست نخست را در شرایطی بسیار نزدیک

اهداف و محورهای کلیدی

براساس اعلام معاونت امور هنری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و گزارش‌های رسمی، مهم‌ترین اهداف و سازوکارهای «شورای عالی هنر و ادبیات»، تمرکززدایی و ایجاد شوراهای استانی هنر، هم‌افزایی فرابخشی هنر، مدیریت و صنعت، سیاست‌گذاری کلان و یک‌پارچه در حوزهٔ هنر و ادبیات و تقویت دیپلماسی فرهنگی و انسجام ملی است. تشکیل شوراهای استانی هنر و ادبیات در سراسر کشور به ریاست استانداران یکی از بندهای کلیدی و عملیاتی این مصوبه است. هدف از این ساختار، خروج تصمیم‌گیری‌ها و رویدادهای هنری از انحصار پایتخت و توزیع عادلانهٔ فرصت‌ها و امکانات میان هنرمندان در استان‌های مختلف اعلام شده است.

ایجاد پل ارتباطی میان ظرفیت‌های هنری با نهادهای مدیریتی، صنعتی و اقتصادی برای استفاده از هنر در حل مسائل اجتماعی، کاهش آسیب‌ها و نشاط‌بخشی عمومی، تنظیم اسناد راهبردی، حمایت ساختاری از هنرمندان و اهالی قلم و رفع موازی‌کاری‌های اداری در نهادهای حمایتی و نظارتی و استفاده از ظرفیت‌های والای ادبیات کهن و معاصر فارسی و تنوع هنرهای بومی برای تقویت هویت ملی و گسترش روابط فرهنگی در سطح بین‌المللی از اهداف مهم این شورا است. هم‌چنین براساس تصویب‌نامه هیأت وزیران در خصوص تشکیل «شورای عالی هنر و ادبیات»، حمایت از پیشرفت هنر و ادبیات ایرانی-اسلامی، هم‌افزایی ظرفیت‌های موجود در توسعه و تجهیز زیرساخت‌های تخصصی فعالیت‌های هنری و ادبی، حمایت از بازتعریف، تثبیت جایگاه و



گزارش: تئاتر ایران

ادای احترام به بیضایی

نگاهی به جلسه خوانش چهار صندوق
به کارگردانی کیوان کثیریان

بهرام بیضایی را نمی‌توان تنها به‌عنوان یک نمایش‌نامه‌نویس، فیلم‌ساز یا پژوهشگر تئاتر و نمایش ایرانی شناخت. او از آن دسته هنرمندانی



فرزانه متین

روزنامه‌نگار

است که بخش مهمی از فرهنگ و هنر معاصر ایران با نام و آثارش گره خورده است؛ هنرمندی که در طول چند دهه، هم در سینما و هم در تئاتر، جهان شخصی و منحصر به‌فردی را خلق کرد و در کنار آن، بخش مهمی از تاریخ نمایش ایرانی را نیز مورد پژوهش قرار داد. به همین دلیل، هر بار که یکی از آثار او خوانده یا اجرا می‌شود، در واقع فرصتی فراهم می‌شود تا نسل امروز دوباره با بخشی از این میراث مواجه شود.

در روزهایی که جای خالی بیضایی بیش از همیشه احساس می‌شود، برگزاری سلسله جلسات «بیضایی‌خوانی» به کارگردانی کیوان کثیریان، اتفاقی قابل‌توجه است؛ تلاشی برای اینکه آثار این هنرمند همچنان خوانده شوند، شنیده شوند و در معرض نگاه و برداشت نسل‌های مختلف قرار بگیرند. کثیریان در ادامه این مسیر، این‌بار سراغ یکی از مهم‌ترین و نمادین‌ترین نمایش‌نامه‌های بیضایی یعنی «چهار صندوق» رفته است؛ این نمایش‌نامه‌خوانی پنجمین نمایش‌نامه از بیضایی بود که در این پروژه مسود خوانش قرار گرفت. پیش از آن، «غروب در دیسارِ غریب»، «آرش»، «آزادک»، و «ضیافت» در این مجموعه خوانده شده بودند. «چهار صندوق» از نخستین نمایش‌نامه‌های بیضایی است که در سال ۱۳۴۶ نوشته و منتشر شد؛ نمایش‌نامه‌ای دوپرده‌ای که از همان ابتدا با زبانی نمادین به موضوع قدرت، ترس، استبداد و رابطه انسان با قدرت می‌پردازد. این اثر را می‌توان یکی از مهم‌ترین نمایش‌نامه‌های سیاسی و اجتماعی بیضایی دانست؛ متنی که اگرچه پیش از نیم‌قرن از نوشته شدن آن می‌گذرد، اما همچنان امکان خوانش و برداشت‌های تازه را برای مخاطب امروز دارد. «چهار صندوق» در همان سال ۱۳۴۶ در جنگ «دفترهای زمانه» منتشر شد و بعدها به شکل کتاب مستقل نیز انتشار یافت. داستان نمایش با چهار شخصیت آغاز می‌شود که با نام‌های «سرخ»، «زرد»، «سبز» و «سیاه» شناخته می‌شوند. چهار نفر که در مواجهه با خطری نامعلوم تصمیم می‌گیرند برای محافظت از خود مترسکی بسازند. اما اتفاق اصلی نمایش از جایی آغاز می‌شود که این مترسک دیگر در اختیار سازندگانش نیست و خود به قدرتی مسلط تبدیل می‌شود؛ در واقع سازنده‌ای که خود تبدیل به قدرت حاکمیت می‌شود، قدرتی که به‌جای حفاظت از آنها، بر آنها حکومت می‌کند و برای کنترل‌شان، هر یک را در صندوقی جداگانه برای سکوت قرار می‌دهد. در ظاهر، داستان ساده به‌نظر می‌رسد؛ چند نفر برای مقابله با یک خطر، موجودی می‌سازند و همان موجود علیه آنها می‌شورد. اما بیضایی در همین داستان ساده، یکی از پیچیده‌ترین پرسش‌های خود درباره قدرت را مطرح می‌کند: آیا قدرتی که برای حفاظت از جامعه ساخته می‌شود، می‌تواند به‌عذر خود به تهدیدی برای همان جامعه تبدیل شود؟

چهار شخصیت نمایش نیز صرفاً چهار انسان معمولی نیستند. رنگ‌ها در این

نمایش‌نامه حامل معنا هستند و هر کدام

نماینده بخشی از جامعه‌اند. در خوانش‌های مختلف، «زرد» به روشنفکری و خرد، «سرخ» به بازار و مناسبات اقتصادی، «سبز» به مذهب و «سیاه» به توده مردم و فروستان نسبت داده شده‌اند. در مقابل، مترسک به قدرتی تبدیل می‌شود که با ایجاد ترس و جدایی، این چهار نیرو را از یکدیگر دور می‌کند. اما شاید مهم‌ترین عنصر نمایش همان «صندوق» باشد. چهار نفر که ابتدا برای مقابله با یک خطر در کنار یکدیگر قرار گرفته‌اند، سرانجام هر کدام در صندوقی جداگانه گرفتار می‌شوند. صندوق در اینجا فقط یک وسیله نمایشی نیست؛ نمادی از

انزوا و جدایی است. آدم‌هایی که می‌توانستند در کنار یکدیگر قرار بگیرند، آنقدر از هم دور می‌شوند که حتی وقتی دوباره امکان بیرون آمدن برایشان فراهم می‌شود، ترس و بی‌اعتمادی اجازه نمی‌دهد به اتحاد واقعی برسند. از همین‌جاست که «چهار صندوق» از یک نمایش‌نامه سیاسی صرف فراتر می‌رود و به اثری درباره انسان، جامعه و مسئولیت تبدیل می‌شود. بیضایی در این نمایش فقط قدرت را مورد پرسش قرار نمی‌دهد؛ به سراغ کسانی هم می‌رود که در شکل‌گیری آن نقش داشته‌اند. مترسک را خود آنها ساخته‌اند و قدرت داده‌اند، اما وقتی قدرت از کنترل خارج می‌شود، دیگر نمی‌توانند به‌سادگی آن را از میان بردارند. «چهار صندوق» از سوی دیگر، ریشه‌هایی در نمایش‌های سنتی و شیوه‌های نمایشی ایرانی نیز دارد؛ نکته‌ای که در بسیاری از آثار بیضایی اهمیت ویژه‌ای دارد. او همواره تلاش داشت عناصر نمایش ایرانی را بشناسد، ثبت کند و در قالبی تازه وارد نمایش‌نامه مدرن کند. به همین دلیل است که حتی وقتی بیضایی درباره قدرت و جامعه حرف می‌زند، زبان و فرم اثر همچنان رنگ و بوی نمایش ایرانی دارد. اهمیت دیگر «چهار صندوق» به سرنوشت خود اثر بازمی‌گردد. این نمایش‌نامه از جمله آثاری است که بیضایی امکان اجرای آن را به شکل رسمی پیدا نکرد و جمله معروفی که در پایان برخی چاپ‌های اثر آمده، گویای همین وضعیت است: «اجرای چهار صندوق هر بار از صحنه پائین کشیده شد». در سال‌های مختلف، گروهایی به شکل‌های متفاوت سراغ این متن رفته‌اند، اما «چهار صندوق» همچنان بیش از آنکه با اجرای صحنه‌ای گسترده شناخته شود، با خود متن و خوانش‌های مختلفش در حافظه تئاتر ایران باقی مانده است. حالا کیوان کثیریان، منتقد سینما با برگزاری سلسله جلسات «بیضایی‌خوانی»، امکان دیگری برای مواجهه با این آثار فراهم کرده است؛ مواجهه‌ای که شاید مهم‌ترین ویژگی‌اش این باشد که قرار نیست آثار بیضایی را در موزه‌ای از گذشته نگه دارد. خواندن دوباره آنها، به‌خصوص برای مخاطبانی که شاید امکان دیدن اجرای آثار بیضایی را نداشته‌اند، فرصتی است برای شنیدن دوباره زبان او و آشنا شدن با جهان فکری و نمایش‌اش. جلسه نمایش‌خوانی «چهار صندوق» با نقش‌خوانی نغمه احمدی، رضا جلایری، بهگل ذوالفقارزاده، امیرعلی صابری، درسا علمی‌نژاد و حسین ملکی برگزار شد. خواندن دوباره «چهار صندوق» در واقع ادای احترامی به هنرمندی بود که بخش مهمی از عمر خود را صرف شناخت نمایش ایرانی، بازآفرینی اسطوره‌ها و خلق آثاری کرد که هنوز می‌توان درباره آنها حرف زد.



و وزارتخانه‌های اجرایی است که براساس اهداف اولیه اعلامی قرار است ادبیات و هنر را در یک ساختار پیوسته و با رویکرد توسعه منطقه‌ای و عدالت فرهنگی پیگیری می‌کند، اما باید منتظر ماند و دید آیا این شورا در عمل هم به اهداف اعلامی خود پایبند می‌ماند و برای تحقق آن‌ها تلاش می‌کند یا به سرنوشت دیگر شوراهای عالی گرفتار می‌شود و فقط ساختار بروکراتیک دولتی را فربه‌تر می‌کند. کارشناسان فرهنگی تحقق اهداف «شورای عالی هنر و ادبیات» را در گرو تأمین بودجه و ضمانت اجرایی می‌دانند و معتقدند تبدیل مصوبات این شورا نیازمند برنامه‌های عملیاتی و اختصاص بودجه مستقل برای شوراهای استانی است.

همچنین اجرایی شدن اهداف این شورا نیازمند مشارکت صنوف و پیشکسوتان؛ پرهیز از اداری‌سازی هنر، تضمین حضور هنرمندان مستقل و تشکل‌های صنفی ادبی و هنری در ترکیب شوراه و تدوین اساسنامه شفاف در راستای روشن شدن حدود اختیارات نسبت به سایر نهادهای موازی در عرصه فرهنگ و فرهنگ عمومی است.

کارهای اجرایی و عملیاتی مرتبط با موضوع فعالیت شورا مانند نحوه تشکیل و وظایف در مرکز و استان‌ها، تشکیل کارگروه‌های تخصصی، نحوه برگزاری جلسات شورا و سایر امور مربوط طی یک دستورالعمل اجرایی تدوین شده و در شورا بررسی و تصویب می‌شود و با ابلاغ رئیس شورای عالی هنر و ادبیات اجرایی خواهد شد. تصویب تشکیل «شورای عالی هنر و ادبیات» گامی در جهت بازآفرینی حکمرانی فرهنگی با رویکرد منطقه‌ای و تمرکززدایی محسوب می‌شود. در صورت تدوین آئین‌نامه‌های اجرایی و تفویض اختیارات واقعی به شوراهای استانی با حضور فعالان صنفی، می‌توان انتظار داشت که این شورا به احیای ظرفیت‌های بومی و بومی‌ای اقتصاد هنر و ادبیات در کشور کمک کند. در دهه‌های گذشته نهادهایی چون «شورای هنر» وابسته به شورای عالی انقلاب فرهنگی یا ساختارهای پیش از انقلاب؛ «شورای عالی فرهنگ و هنر» و وظایف مشورتی یا تصویب اسناد بالادستی را برعهده داشتند، اما به نظر می‌رسد ویژگی‌های شاخص مصوبه جدید هیأت دولت؛ ماهیت اجرایی‌تر و پیوند مستقیم آن با بدنه استانداری‌ها

افزایش نقش‌آفرینی هنر و ادبیات ایران در جهان، گسترش متوازن گونه‌های مختلف زیرمجموعه فعالیت‌های هنری و ادبی، رشد اقتصاد فرهنگ و هنر، توانمندسازی بخش خصوصی و ایجاد بازارهای جدید هنری، تقویت مشارکت مؤثر نهادهای صنفی در ارتقا و پیشرفت فعالیت‌های مرتبط، صیانت از حقوق مادی و معنوی مؤلفان و هنرمندان، فراهم‌آوری بستر همکاری و هم‌افزایی و بهره‌وری سازمان‌ها و نهادهای متولی و اجرایی حوزه هنر و ادبیات از اهداف تشکیل این شورا است.

اهداف اعلامی اگرچه روی کاغذ ممکن است اهدافی مطلوب به نظر برسد، اما مهم این است که در عمل چه اتفاقی می‌افتد و این شورا چه خروجی خواهد داشت، آیا همان‌گونه که عنوان‌شده در جهت تمرکززدایی گام برخواهد داشت یا در عمل باعث تمرکزگرایی بیشتر و تحدید فعالیت گروه‌ها و انجمن‌های مستقل و خصوصی هنری و ادبی خواهد شد؟

ساز و کارهای اجرایی و عملیاتی

پس از تشکیل «شورای عالی هنر و ادبیات»، ساز و

مسابقات هر کدام در مقاطعی به کمک تیم آمدند.

امین اسماعیل‌نژاد به‌عنوان کاپیتان تیم یکی از چهره‌های مهم ایران در این دوره بود و در کنار او بازیکنانی مانند عرشیا به‌نژاد، محمد ولی‌زاده، مرتضی شریفی، علی حق‌پرست و حسین حاجی‌کلاته نیز نقش مهمی در مسیر رسیدن ایران به مدال طلا داشتند. در کنار این بازیکنان، پوریا حسین‌خانزاده، یوسف کاظمی، ایلشن داوودی‌پور، مبین نصری و علی حاجی‌پور نیز در ترکیب تیم حضور داشتند تا پیاتزا امکان استفاده از یک تیم نسبتاً کامل و متنوع را داشته باشد. در این میان، حسین حاجی‌کلاته در پست لیبرو یکی از بازیکنانی بود که در جریان مسابقات عملکرد قابل‌توجهی داشت. نقش لیبرو در دریافت و توپ‌گیری، به‌خصوص در بازی‌های سخت مرحله حذفی، اهمیت زیادی داشت و ایران در دیدارهایی که فشار بیشتری از سوی حریفان احساس می‌کرد، از عملکرد بازیکنان این بخش سود برد. مرتضی شریفی نیز تا پیش از مصدومیت در فینال یکی از مهره‌های مهم ایران بود. مصدومیت او در ست سوم باعث شد کادر فنی ناچار به تغییراتی در ترکیب شود، اما این اتفاق هم نتوانست تمرکز تیم ایران را برهم بزند و ملی‌پوشان در نهایت ست سوم و چهارم را با پیروزی پشت سر گذاشتند. در واقع شاید یکی از نکات مهم تیم ایران در ناگویا همین عمق ترکیب بود؛ تیمی که تنها به یک یا دو بازیکن متکی نبود و در جریان مسابقات توانست از نفرات مختلف خود استفاده کند.

دو فینال، یک قهرمانی

روبرتو پیاتزا در حالی تیم ملی والیبال ایران را در ناگویا هدایت کرد که این مسابقات برای او فرصتی برای جبران اتفاقات قهرمانی آسیا در فووکونوکا نیز بود. سرمربی ایتالیایی ایران در فینال آن مسابقات برابر ژاپن شکست خورده بود و حالا بار دیگر در یک فینال مقابل همین تیم قرار گرفت؛ با این تفاوت که این‌بار مسابقه در خانه حریف برگزار می‌شد.

حضور دوباره ایران در فینال، دومین فینال متوالی پیاتزا با تیم ملی بود؛ اتفاقی که او پیش از این در مسابقات ملی به‌عنوان سرمربی تجربه نکرده بود. اما این‌بار داستان برای سرمربی ایتالیایی متفاوت بود و تیم او توانست آخرین قدم را نیز محکم بردارد و قهرمان شود. پیاتزا در مسیر رسیدن ایران به فینال بارها روی سرویس، دفاع روی تور و توپ‌گیری تأکید کرده





کنکور پولی

کنکور؛ رقابتی که از یک خط شروع نمی شود



فائزه مومنی

گروه اجتماعی

تهران ۲۱ رتبه از ۴۰ رتبه برتر کنکور ۱۴۰۵ را در اختیار دارد؛ تمرکزی که در کنار بازار کلاس، آزمون و مشاوره، بار دیگر پرسش درباره سهم پول و دسترسی نابرابر به آموزش را مطرح کرده است. از میان ۴۰ رتبه برتر کنکور ۱۴۰۵ نام ۲۱ داوطلب تهرانی دیده می شود. بیش از نیمی از نفرات برتر ۵ گروه آزمایشی از پایتخت آمده اند؛ مازندران با ۶ رتبه در جایگاه دوم قرار دارد، همدان و آذربایجان شرقی هر کدام دو رتبه دارند و سهم ۹ استان دیگر نیز هرکدام یک رتبه است. در مجموع ۴۰ رتبه برتر میان ۱۳ استان توزیع شده اند. این اعداد به تنهایی ثابت نمی کنند که پول یا محل زندگی، عامل موفقیت بوده است. تهران جمعیت بیشتری دارد، تعداد داوطلبان استان ها یکسان نیست و از عملکرد ۴۰ نفر نمی توان درباره کیفیت آموزشی یک استان نتیجه گیری کرد. اما فاصله تهران با دیگر استان ها آنقدر زیاد است که یک پرسش قدیمی را دوباره مطرح کند: دانش آموزان این رقابت واقعاً از یک خط شروع می کنند؟ کنکور در دو روز برگزار می شود اما رقابت برای آن از سال ها پیش آغاز شده است.

۲۱ رتبه برای یک استان

تمرکز تهران در بعضی گروه ها بیشتر است. در علوم انسانی ۶ نفر از ۱۰ رتبه نخست تهرانی اند. در هنر ۵ رتبه اول از تهران آمده اند، در زبان های خارجی ۴ نفر از ۵ نفر نخست و در تجربی نیز ۴ نفر از ۱۰ نفر اول، ساکن پایتخت هستند. ریاضی اما نقشه دیگری دارد. اشکان کریمی از قائم شهر، امیرکیان رئیس بهیان از آمل و امیرحسین جعفری از بابل سه رتبه نخست را گرفته اند.

توضیح داد. پریزاد نیرومند، رتبه اول انسانی از بجنورد، گفته در کلاس های کنکور شرکت نکرده هرچند دانش آموز سمپاد بوده و از آزمون ها، تست زنی و برخی کلاس های مجازی استفاده کرده است. تجربه او نشان می دهد که مسیر داوطلبان یکسان نیست؛ همان طور که تجربه یک نفر نمی تواند، پاسخی به مسئله نابرابری فرصت های آموزشی باشد.

۶۵ درصد داوطلبان زن؛ ۴۲.۵ درصد برترین ها زن

عدد دیگری در نتایج امسال کمتر از جغرافیای رتبه ها جلب توجه نمی کند. براساس اعلام رئیس سازمان سنجش حدود ۶۵ درصد شرکت کنندگان کنکور ۱۴۰۵ زن و ۳۵ درصد مرد بوده اند. اما در میان ۴۰ رتبه برتر نسبت تغییر می کند: ۲۳ پسر در برابر ۱۷ دختر. یعنی سهم زنان از جمع رتبه های برتر ۴۲.۵ درصد است با وجود آنکه نزدیک به دوسوم کل داوطلبان را تشکیل داده اند. عدد کلی البته بخش مهمی از داستان را پنهان می کند. در ریاضی ۹ نفر از ۱۰ نفر نخست پسرند. در تجربی نیز دقیقاً همین نسبت تکرار شده است. در مجموع ۱۸ نفر از ۲۰ رتبه نخست ریاضی و تجربی پسر هستند. در سوی دیگر جدول، وضعیت تقریباً وارونه است. هر پنج رتبه نخست هنر دخترند. در زبان های خارجی چهار نفر از پنج نفر اول زن هستند و در علوم انسانی نیز ۶ دختر در برابر ۴ پسر قرار گرفته اند. بنابراین سوال فقط این نیست که چرا سهم دختران از رتبه های برتر کمتر از سهم آنها در میان کل داوطلبان است. تفاوت بزرگتر در توزیع آنها میان گروه های آزمایشی دیده می شود: چرا پسران تقریباً تمام صدر جدول ریاضی و تجربی را گرفته اند اما دختران در هنر، زبان و انسانی حضور پررنگتری دارند؟ اطلاعات منتشر شده درباره ۴۰ رتبه برتر، پاسخی به این سوال نمی دهد. برای تحلیل آن باید دست کم ترکیب جنسیتی کل داوطلبان هر گروه آزمایشی نیز مشخص باشد. بدون این اطلاعات نسبت دادن فاصله به انتخاب رشته، خانواده، مدرسه یا هر عامل دیگری بیشتر حدس است تا نتیجه ای مبتنی بر داده.

روایت دیگری از عدالت

در مقابل نگرانی ها درباره طبقاتی شدن آموزش، مقام های شورای عالی انقلاب فرهنگی می گویند که تغییرات کنکور به افزایش عدالت منجر شده است. سعیدرضا عاملی، عضو این

آگهی فقدان سند مالکیت

انتقال ۱۰۲۴۰۱ مورخ ۱۳۸۶/۱۲/۰۵ دفترخانه ۲۷۲ اسناد رسمی تهران به مالکیت آقای سید ضیاءالدین هاشمی فرزند اسداله به ش.ش ۲۳۳۵۱ کد ملی ۱۳۷۰۴۴۷۸۵۱ سپس نامبرده اخیرالذکر بموجب دادنامه حصر وراثت ۱۵۱۸۶۷۵/۰۵۱۳۹۰۰۰ مورخ ۱۴۰۲/۰۴/۲۸ فوت نموده و ورثه نامبرده خانم اقدس معیار فرزند غلامحسین می باشند مالکیت محمد / قمی نژاد فرزند مرتضی شماره شناسنامه ۱۰۷۹۶ تاریخ تولد ۱۳۶۶/۰۷/۰۷ صادره از شهری دارای شماره ملی ۰۴۹۳۴۱۷۷۹۶ با جز سهم ۶ از کل سهم ۶ بعنوان مالک شش دانگ عرصه واعیان با شماره مستند مالکیت ۲۷۶۲۲ تاریخ ۱۴۰۵/۰۵/۲۷ دفترخانه اسناد رسمی شماره ۴۶۰ شهر تهران استان تهران موضوع سند مالکیت اصلی بشماره چاپی ثبت گردیده است. حقوق ارفاقی ملک: ندارد محدودیت ها: ندارد

مالک فوق الذکر ادعای مفقودی سند مالکیت فوق الاشعار را بعلت مفقود نموده و تقاضای صدور المثنی سند مالکیت پلاک مذکور را نموده است، علیهذا در اجرای ماده ۱۲۰ آئین نامه قانون ثبت (اصلاحی ۸۰/۱/۱۸) مراتب در یک نوبت و در یکی از جراید آگهی می شود تا چنانچه شخص یا اشخاص مدعی انجام معامله نسبت به ملک مرقوم یا وجود سند مالکیت نزد خود باشند ظرف مدت ۱۰ روز پس از انتشار این آگهی اعتراض خود را ضمن ارائه اصل سند مالکیت یا سند معامله به این اداره تسلیم و رسید دریافت نمایند بدیهی است در صورت انقضای مهلت مقرر و عدم وصول اعتراض یا در صورت اعتراض، اصل سند مالکیت یا سند معامله ارائه نگردد، طبق مقررات و تشریفات اداری، المثنی سند مالکیت صادر و تسلیم مالک خواهد شد.

رئیس واحد ثبتی حوزه ثبت ملک ولیعصر تهران – سارا صالحی

۱۴۴۷۳ م الف

شناسه آگهی ۲۲۸۹۵۷۸

آگهی فقدان سند مالکیت

آقای لطف اله محمود زاده با تسلیم دو برگ استشهادیه مصدق ذیل شماره ۳۸۵۵۴ مورخ ۱۴۰۴/۰۶/۲۴ دفترخانه ۶۴۶ تهران اعلام نموده سند مالکیت یک دانگ مشاع از شش دانگ یک قطعه زمین به مساحت ۱۹۹/۰۹ متر مربع به شماره ۱۶۵۴۲ فرعی از ۱۲ اصلی قطعه ۱۵۷ تفکیکی مفروز از پلاک ۷۴۷۴ فرعی از اصلی مذکور واقع در بخش ۱۲ تهران که ذیل دفتر املاک الکترونیک شماره ۳۳۱۴۳-۳۰۱۰۷۸۰۳۰۰۲۲۰۱۴ با شماره چاپی ۶۵۲۶۰۲ به نام وی ثبت و صادر شده است. به علت جابجایی مفقود گردیده و به موجب درخواست شماره مورخ تقاضای صدور المثنی سند مالکیت المثنی پلاک مذکور را نموده است لذا در اجرای ماده ۱۲۰ آئین نامه اصلاحی قانون ثبت (مصوب ۸۰/۱/۱۰۸) مراتب در یک نوبت آگهی می شود تا چنانچه شخص یا اشخاص مدعی انجام معامله نسبت به ملک مرقوم یا وجود اسناد مالکیت نزد خود میباشد ظرف مدت ۱۰ روز پس از انتشار این آگهی اعتراض خود را ضمن ارائه اصل سند مالکیت یا سند معامله به این منطقه واقع در تهران خیابان دامپزشکی بعد از تقاطع جیحون اداره ثبت اسناد و املاک منطقه یافت آباد تسلیم و رسید اخذ نمایند بدیهی است در صورت انقضای مهلت مقرر و عدم وصول اعتراض یا در صورت اعتراض و عدم ارائه اصل سند مالکیت یا سند معامله طبق مقررات المثنی سند مالکیت صادر و تسلیم خواهد شد.

برابر نامه شماره ۱۶۳۸۸۳۵۵-۱۴۰۴۶۸۹۹۰۰ مورخ ۱۴۰۴/۳/۲۱ از شعبه ۳ اجرای احکام کیفری دادسرای ناحیه ۱۸ تهران در قید بازداشت است.

سرپرست واحد ثبتی حوزه ثبت ملک یافت آباد تهران – حمیده عباسیان

۱۴۴۷۹ م الف

شناسه آگهی ۲۲۸۹۶۲۱

آگهی اصلاح حدود و مساحت پلاک ثبتی ۴۴۷۶/۹۶۷۷ واقع در بخش ۷ تهران

نظر به اینکه آقای بهزاد صمد زاده کلخوران و کیل خانم لیلیا زارع تقاضای اصلاح حدود و مساحت پلاک ثبتی به شرح (شش دانگ یک قطعه زمین به پلاک ۹۶۷۷ فرعی از ۴۴۷۶ اصلی به مساحت ۱۳۴/۴۰ متر مربع مفروز از فرعی از اصلی مذکور بخش ۷ تهران ذیل ثبت صفحه ۵۰ دفتر ۴۵۱ به باباش محمد زاده کلخوران ثبت و سند مالکیت صادر و تسلیم گردیده است سپس مع الواسطه طی اسناد ۱۸۱۰۲۱ – ۸۳/۳/۲۸ دفترخانه ۲۸۹ تهران و ۴۷۸۱ – ۸۹/۸/۱۹ دفتر ۹۰۶ تهران و ۳۷۸۵۲ – ۹۹/۵/۲۸ دفتر ۳۸۱ تهران مقدار ۴/۷۵ دانگ به لیلیا زارع نوجه دهه و حسن صمد زاده کلخوران نسبت به ۵/۰۵ دانگ و خانم مدینه صمد زاده کلخوران نسبت به ۲۵/۰ دانگ و پرویز صمد زاده کلخوران نسبت به ۵/۰ دانگ مشاع از شش دانگ انتقال یافته است) نموده است نظر به اینکه متقاضی اعلام داشته احد از مالکین مجهول المکان می باشد بدینوسیله یک نوبت آگهی می گردد تا چنانچه کسی معترض یا ادعایی در این خصوص دارد ظرف مهلت ده روز مراتب اعتراض خود را با ارایه مستندات به این اداره اعلام نماید.

رئیس حوزه ثبت ملک پیروزی تهران – مهدی نایب زاده

۱۴۴۸۰ م الف

شناسه آگهی ۲۲۸۹۶۲۵

اداره ثبت اسناد و املاک بندر گناوه
هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی

برابرایاری شماره ۴۳۱۷/۰۱۰۰۲۲۴۰۰۱۴ مورخ ۱۸/۰۵/۱۴ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک بندر گناوه تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای عبدالحمید زارعی فرزند محمد به شماره شناسنامه ۱ کد ملی ۳۵۳۹۸۰۲۰۷۱ صادره از گناوه را نسبت به شش دانگ عرصه واعیان یک قطعه زمین کشاورزی مساحت ۱۵۰۰۰ مترمربع درقسمتی ازپلاک ۸۸۱ اصلی واقع در کوچهک کوچک گناوه خریداری مع الواسطه از آقای محمد زارعیو شرکاء محرز گردیده است.لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خودرابه مراجع قضایی تقدیم نمایندبدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد صدور سند مالکیت مانع مراجعه متضرر به مراجعه ذیصلاح قضایی نمی باشد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۶/۲۸
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۷/۱۲
محمد جهادپدار – رئیس ثبت اسناد و املاک شهرستان گناوه از طرف، عبدالحسین بکتاش

شناسه آگهی ۲۲۷۸۶۰۲

@saazandeginews

saazandeginews

www.saazandegi.ir



